

برای نشان دادن عزم خویش، جهت مقابله با توطئه‌های ارتجاع مذهبی، بازاریهای غارتگر و طرد شدگان انتخابات دوم خرداد

مردم ایران! نیروی مقاومت دهها میلیونی خود را به نمایش بگذارید!

راه توده

فوق العاده

دوره دوم ۲۸ اردیبهشت ۱۳۷۷

در آستانه سالگرد پیروزی بزرگ مردم ایران، در انتخابات دوم خرداد، ارتجاع زخم خورده مذهبی و غارتگران بازاری، به انواع صحنه سازیها و توطئه‌ها، برای جلوگیری جشن پیروزی مردم متوسل شده است.

چند روزنامه ای که خرج و دخلشان را بازار، کمیته امداد، آستانقدس، بنیاد مستضعفان و حساب ویژه بیت "رهبری" تامین می کند، و اتفاقاً منفورترین و کم فروش ترین روزنامه های کشور به حساب می آیند، نقش آتش بیار معرکه را برعهده گرفته اند، که در میان آنها "کیهان"، "رسالت" و "جمهوری اسلامی" نقش پیشتاز را ایفاء می کنند. مسئولین ایدئولوژیک زندان اوین و قزل حصار، بازجوهای زندان اوین، رابطین گروه های فشار و بنیادهای نام برده شده در بالا و برخی نوابین سازمان مجاهدین خلق که مستقیماً زیر نظر اسدالله لاجوردی فعالیت می کنند، مقاله نویسی، سرمقاله پرداز، تئوری ساز این روزنامه ها شده اند و نقش اسب تراوی ارتجاع و غارتگران بازاری را ایفاء می کنند.

تضیه شدگان وزارت ارشاد اسلامی، که در زمان وزارت "مصطفی میرسلیم" ستاد توطئه علیه انتخاب محمدخاتمی را تشکیل داده و هزینه ای چند صد میلیون تومانی را، بقول خودشان از "بیت المال" برای این ضد تبلیغ روی دست مردم ایران گذاشتند، در تلویزیون جمهوری اسلامی لانه کرده و همسو با روزنامه های جیره خوار بازار و ارتجاع مذهبی همچنان سرگرم توطئه علیه نتیجه انتخابات یکسال پیش ریاست جمهوری هستند. سردار سرتیپ "ضرغامی"، که از معاونت سینمایی وزارت ارشاد برکنار و از این وزارتخانه اخراج شده، اکنون در تلویزیون جمهوری اسلامی، نقش هماهنگ کننده تلویزیون، روزنامه های یاد شده در بالا و گروه های مهاجم خیابانی، به سرپرستی سرتیپ پاسدار دیگری، بنام "حسین الله گرم" را برعهده دارد. گروه هائیی که سرکردگان مهاجم آنها، ماموران "تبرخالی" در میدان های اعدام زندانیان سیاسی، شکنجه گران زندان و مجریان اعدام هزاران زندانی سیاسی در سال ۶۷ بوده اند.

فرماندهان تاجر پشه سپاه پاسداران، که مانند همه کشورهای جهان و همه تجربه باقی مانده از جنگ ها، پس از پایان جنگ ایران و عراق، صاحب ثروت شده و داعیه حکومت را نیز در سر می پروراند، در دیدارهای پنهانی، نقشه کنترل واحدهای زیر نظر خویش را بررسی می کنند، تا در صورت ضرورت حضور آشکار در خیابان ها و صدور فرمان تیراندازی به طرف مردم، لوله های تفنگ را بجای مردم به روی این فرماندهان بکنند! آنها، پس از جنگ صاحب شرکت های تجاری، سهام های مختلف در کارخانه های زیر نظر بنیاد مستضعفان و حساب های ویژه بانکی شده و اکنون برای حفظ موقعیت خویش و تمامی دم و دستگاهی که "ولی نعمت" آنها به حساب می آیند، همچنان بر مقاومت در برابر خواست مردم برای تحولات پای می فشارند. آنها اگر نسبت به فرمانبرداری و تقوید معنوی روحانیون "نماینده ولی فقیه" در واحد های نظامی خویش مطمئن بودند، پیش از آنکه درباره اندیشه هایشان سخنرانی کنند، دست به عمل می زدند. آیت الله "موحدی کرمانی" که نطق اخیر "رحیم صفوی" فرمانده سپاه پاسداران در شهر قم را از ستاد توطئه (مرکب از آیت الله مهدوی کنی، آیت الله خزعلی، آیت الله یزدی، شیخ واعظ طبسی، آیت الله موحدی ساوجی، آیت الله موحدی کرمانی، آیت محمدی گلپایگانی (رئیس دفتر رهبری)...) به همراه آورده و به دست وی داده است، اگر از چنین اطاعتی همانقدر اطمینان داشت که از مقاومت توده ای مردم وحشت نداشت، تاکنون وارد عمل شده بود. هیچ کودتاچی، در طول تاریخ، وقتی به خود و پیروزی عملش اطمینان داشته، قبل از کودتا، درباره نقشه و اندیشه اش سخنرانی نکرده، بلکه عمل کرده است! ضعف بزرگ "ستاد توطئه"، در همین است!

بنابراین، سخنرانی فرمانده سپاه پاسداران در شهر قم، و تهدید به "زبان بریدن" و "گردن زدن"، در حال حاضر و در شرایط کنونی، پیش از آنکه از قدرت توطئه کنندگان و طرفداران کودتا علیه مردم نشانه ای با خود داشته باشد، از هراس آنها نشانه های جدی با خود همراه دارد. هراس از مقاومت بدنه نیروهای سپاه و بسیج در برابر کودتاچیان و مقاومت عظیم مردم در برابر چنین عملی! شکم های گرسنه و خشم انباشته شده توده های مردم، که در حادثه اخیر جاده ساوه، ابعاد خود را نشان داد، تحمل کودتا سازی و کودتا پردازی را ندارد. حادثه جاده ساوه نشان داد، که چنین ماجراجوئی، با مقاومتی در اشکال انتفاضه فلسطینی ها روبرو خواهد شد. طراحان توطئه هیچ راه حلی برای بحران اقتصادی مملکت ندارند، زیرا آهی در بساط باقی نمانده و همه را نوکسه های دولتی و کهنه کاران بازاری، به کمک روحانیون حکومتی به غارت برده اند. بنابراین، این نوع ماجراجوئی ها، تنها به مقاومت مردمی، ابعادی جدید و اشکالی نوین خواهد بخشید.

طی یکسال گذشته، بدلیل بیم و هراس از چنین مقاومتی، طرد شدگان و بازنندگان بزرگ انتخابات ریاست جمهوری، پیوسته بر توطئه های مرحله ای، نظیر ماجرای شهرداریها، یورش به آیت الله منتظری، کارشکنی در کار دولت، جلوگیری از گشوده شدن فضای سیاسی کشور به روی احزاب سیاسی، حمله تبلیغاتی سازمان یافته به مصاحبه محمد خاتمی با شبکه تلویزیونی "سی.ان.سی"، اعزام چماقداران به اجتماعات و... با سه هدف استفاده کرده اند:

- ۱- فلج سازی دولت و ایجاد ناراضی در میان مردم نسبت به امکان عمل "محمد خاتمی".
 - ۲- ایجاد انسجام در صفوف شکست خوردهگان و بسیج نیرو برای ورود به عملیات سرکوب جنبش.
 - ۳- ایجاد شکاف در میان نیروهای طرفدار دولت محمد خاتمی و متحدان آن، در مجموعه دستگاه حکومتی در جمهوری اسلامی.
- کاهش بودجه دولت، تشدید احتکار و دامن زدن به گرانی از یکسو و بعنوان اهرم اقتصادی؛ و ایجاد ناامنی اجتماعی؛ با وسعت بخشیدن به میدان عمل نیروهای چماقدار از سوی دیگر و بعنوان اهرم سیاسی، آشکارترین نشانه طرح "فلج سازی و ناراضی تراشی" است.
- سفرهای پیاپی طردشدگان انتخابات ریاست جمهوری به مشهد و دیدار با شیخ واعظ طبسی، تولیت آستانقدس رضوی، بعنوان یکی از سران بزرگ توطئه، و دیدارهای نوبتی در شهر قم و با علمای دینی، تلاش در راه ایجاد انسجام در صفوف توطئه است!
- احضار پیاپی وزرا به مجلس، برای پاسخگویی به سوالات نمایندگان ارتجاع، حمله به دو وزیر مشخص در کابینه خاتمی – وزیر کشور و وزیر ارشاد اسلامی – و پرونده سازی برای معاون کارآمد وزارت کشور "تاجزاده"، یعنی کوشش برای فلج سازی دولت!
- یورش تبلیغاتی اخیر علیه طرفداران آیت الله منتظری و جنجال پیرامون حوادث اصفهان و نجف آباد و باصطلاح گروه مهدی هاشمی، در ادامه و مکمل همین سه هدف است. با این یورش می خواهند روحانیون مخالف یکه تازی روحانیون "ستاد توطئه" و روحانیون طرفداران انتخابات واقعی و

جدی مجلس خبرگان رهبری را مرعوب سازند و بخشی از روحانیون صاحب نام ایران را، که عملاً در کنار دولت خاتمی قرار گرفته اند وادار به سکوت کنند!

تمامی این ماجرا آفرینی های توطئه آمیز، که اکثریت مجلس اسلامی و اکثریت قوه قضائیه، بعنوان دو قوه از قوای سه گانه مملکتی در آن سهم مستقیم دارند، یک هدف را دنبال می کند: فراهم سازی شرایط سرکوب جنبش! شرایطی، که علیرغم همه نیرنگ ها و توطئه ها، در یکسال گذشته موفقیتی همراه نداشته است!

تازه ترین حيله!

آخرین کارزاری، که ابتکار طرح آن به روزنامه جمهوری اسلامی واگذار شده است، باصطلاح جدا سازی حساب محمد خاتمی از اطرافیان است! این روزنامه می نویسد، که "محمد خاتمی خودش انسان خوب و شریف و مومن و وفادار به ولایت فقیه و رهبری است، همه تقصیرها به گردن اطرافیان است." این همان حيله است، که در سال ۶۷ و در ارتباط با آیت الله منتظری به اجرا گذاشته شد. در ابتدا آیت الله خمینی را وادار کردند تا تصفیه بیست آیت الله منتظری را از وی بخواهد و سپس وزارت اطلاعات و امنیت و دادگاه ویژه روحانیت (رهبری- فلاحیان- رازینی) خود این تصفیه را عهده دار شدند! تصفیه ای که به اعدام عده ای و به زندان منتقل شدن برخی دیگر از اعضای بیست آیت الله منتظری ختم شد. در آن مرحله نیز، ابتدا حساب آیت الله منتظری از اعضای بیست آیت الله منتظری جدا اعلام شد، و زمانی که این اطرافیان سرکوب شدند و آیت الله منتظری تنها ماند، به سراغ خود او رفتند! طراحان و مجریان آن توطئه، که امروز می خواهند همه آن تجربه را در براندازی دولت خاتمی به کار گیرند، امروز نه تنها آیت الله منتظری را در خانه اش زندانی کرده اند، بلکه بدترین اتهامات، ناسزاها و دشنام ها را نیز در همان مطبوعاتی که در بالا از آنها نام برده شد، نسبت به او بکار می برند!

این تازه ترین و جدیدترین رهنمودی است، که "ستاد توطئه"، روزنامه جمهوری اسلامی را مبتکر طرح آن کرده است: جدا اعلام داشتن حساب اعضای کابینه و طرفداران خاتمی از خود وی، تا سپس توطئه به خود وی برسد! تردید نیست که اگر حادثه غیر قابل پیش بینی روی ندهد، این تازه ترین و جدیدترین توطئه نیز کاربردی در حد توطئه های دیگر خواهد داشت. البته، یقین باید داشت که این تازه ترین توطئه به معنی آخرین توطئه نخواهد بود!

طراحان و خط دهندگان پشت صحنه، که "ستاد توطئه"، خود را با آن هماهنگ می کند، تکرار تجربه شیعی، یعنی تشویق و سازماندهی ماجراجوئی و چپ نمایی، ایجاد احتکار و فلیج سازی دولت با هدف ناراضی کردن مردم از حکومت، ناامنی اجتماعی، خانه نشین ساختن مردم و خالی شدن اطراف آلوده و پورش به دولت او را در سر می پروراند! نشانه های بسیار جدی در این زمینه وجود دارد. به همین دلیل، باید تمام تجربه باقی مانده از آن شکست دردناک در کشور شیعی، امروز در خدمت جنبش کنونی مردم ایران برای رهائی از چنگال ارتجاع مذهبی و غارتگران متحد آن بکار گرفته شود.

ما اعتقاد راسخ داریم، که امپریالیسم جهانی و بویژه آمریکا و ستاد صهیونیسم پرنفوذی که در نیویورک برای دولت آمریکا خط مشی تعیین می کند و دولت اسرائیل را هدایت می کند، هرگز طرفدار تحولات مثبت در ایران نیستند، نبوده اند و نخواهند بود! بنابراین و علیرغم همه سخن پراکنی ها و تحلیل و تفسیرهایی که در یکسال گذشته، در مطبوعات وابسته به سرمایه داری بزرگ جهانی منتشر شده، دشمنان درجه اول تحولات مثبت در ایران، در عرصه جهانی، همانا آمریکا و صهیونیسم بین الملل هستند. همچنان که در داخل کشور، ارتجاع مذهبی و غارتگران و سرمایه داری تجاری و دلال تکران این تحولات است. این ارزیابی متکی به همه تجربه گذشته، می گوید، که نه دولت خاتمی و نه تحولات مثبت در ایران، بلکه توطئه های شکست خورده انتخابات، با خواست، تمایل و تأیید آمریکا، صهیونیسم و انگلستان همراه است!

تمامی نگرانی امپریالیسم جهانی و بویژه آمریکا، از آنست که ظرفیت جنبش کنونی مردم ایران، با تشدید تمایل به چپ و رادیکالیسم تقویت شود. بنابراین سرکوب و توطئه علیه آزادی ها و جنبش مردم در عین حال که این خطر بالقوه را به زعم آمریکا از بین می برد، مجریان این توطئه در داخل کشور را (طرد شدگان و شکست خوردهگان انتخابات ریاست جمهوری) نیز در انزوای مطلق و نفرت و خشم عمومی قرار داده و عرصه را برای یک تازی مطلق آمریکا در کشور فراهم می کند. تدارک ایجاد "زادیوی آزاد" در خاک جمهوری "چک" تدارکی است برای بهره برداری از چنین موقعیتی. برپایه این ارزیابی است، که شعار ضد آمریکائی توطئه گران علیه دولت محمد خاتمی، نتیجه انتخابات ریاست جمهوری، تحولات مثبت در ایران، گشایش فضای سیاسی و... عملاً در خط، خواست و استراتژی آمریکا در ایران و منطقه است!

این شناختی است که اگر مجموعه نیروهای سیاسی و طرفداران تحولات مثبت در ایران، بویژه نیروها و سازمان های چپ، بر سر آن به تفاهم و توافق برسند، توپخانه پر قدرتی برای دفاع از جنبش عمومی مردم ایران شکل خواهد گرفت، که با ورود خود به صحنه عمل، نه تنها جناح چپ جنبش را تقویت خواهد کرد، بلکه نقاب را از چهره ریاکار توطئه گران داخلی بر خواهد داشت. توطئه گرانی که به بهانه و ترفند مبارزه با آمریکا، به سود آمریکا و در خدمت آن، به مقابله با جنبش عمومی مردم ایران سرگرمند!

مرکزی ترین وظیفه

در حال حاضر، مرکزی ترین و در عین حال مبرم ترین وظیفه جنبش عبارتست از:

- حفظ اتحاد، بسیج آگاهانه مردم، جلب نیروهای از صفوف و اطرافیان "ستاد توطئه" بطرف جنبش و یا حداقل بی طرف ساختن آنها در این کارزار!
- حفظ و برقراری پیوند بین بدنه نیروهای مسلح و توده مردم و ادامه تحمیل انزوا به فرماندهان تاجر پیشه و مخالف تحولات!
- پایان بخشیدن به انزوای روحانیون صاحب نام و شناخته شده و ورود منسجم آنها به صحنه سیاسی، برای تقویت صفوف مقابله با "ستاد توطئه"!
- اجتناب از هر نوع ماجراجوئی و چپ نمایی، که انسجام صفوف مخالفان جنبش و تفرقه در میان نیروهای جنبش را موجب شود!
- در صحنه نگاه داشتن و به میدان آوردن نیروی دهها میلیونی توده مردم برای خنثی سازی توطئه ها و به عقب راندن توطئه گران!
- مقاومت خلل ناپذیر در برابر فشارهای توطئه گران و مخالفان جنبش، که آزادی محدود کنونی مطبوعات کشور را تحمل نمی کنند!
- ایجاد عزمی راسخ و منسجم در میان روحانیون طرفدار تحولات مثبت و بویژه در میان توده های دهها میلیونی مردم برای برگزاری انتخابات خبرگان رهبری و بررسی و نقد آشکار، قانونی و علنی عملکرد رهبر کنونی جمهوری اسلامی در دوران ۸ ساله پس از درگذشت آیت الله خمینی (قانون اساسی کنونی جمهوری اسلامی، اختیارات انکار ناپذیری را در این زمینه، به مجلس خبرگان داده است. اختیاراتی که من تواند راهگشای معضل "رهبری" در شرایط کنونی، در جمهوری اسلامی شود)!
- گشودن فضای سیاسی جامعه به روی احزاب سیاسی و برگزاری انتخابات شوراها!

برپایه این اصول است، که برگزاری نخستین سالگرد پیروزی مردم در انتخابات دوم خرداد، که شکست خوردهگان آن انتخابات با تمام امکانات خویش علیه آن بسیج شده اند، وظیفه ایست ملی!

حتی اگر جلوی حرکت مردم برای شرکت در مراسم این سالگرد را بگیرند، باید در خیابان ها، محلات، کوچه و پس کوچه های شهرها اجتماع کرد، از خانه ها بیرون آمد و نیروی مقاومت در برابر توطئه ها را به نمایش گذاشت! و تدارک داد که عزم دهها میلیون ایرانی برای مقابله با ارتجاع مذهبی، غارتگران بازاری، توطئه گران خان به آرمان های واقعی آن توطئه گران و طرد شدگان، از جانب کارگران، تروریستهای داخلی و... خلل ناپذیر است!